



## نقش امنیت پایدار در حکمرانی خوب

مهدی بدخشان

### چکیده:

در عصر حاضر وظایف حکومت ها در رفع نیازهای شهروندان گسترده تر شده و در مقابل نیز نقش شهروندان در انتخاب و استمرار حکومت ها بیش از گذشته گردیده است. یکی از اساسی ترین وظایفی که حکومت ها در مورد شهروندان و جامعه بر عهده دارند تامین امنیت است. امنیت به عنوان بستری برای زندگی، رشد و پیشرفت انسان ها در عرصه های مختلف امری ضروری بوده و با توجه به ارتباطات پیچیده میان اجزای موثر بر ابعاد امنیت، امنیت پایدار به عنوان راهی برای تامین امنیت حال و آینده مدنظر حکومت ها قرار گرفته است. امنیت پایدار دارای شاخص هایی از جمله ثبات درازمدت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی، عدالت و مشارکت است و بر کل نگرى در تصمیم گیری ها و اقدامات تاکید دارد. از طرفی رضایت شهروندان با شاخص هایی از جمله حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، برابری، کارایی، حاکمیت قانون، مشارکت، شفافیت و اعتماد حکومت و جامعه سنجیده می شود که این شاخص ها از ملاک های حکمرانی خوب است. این مقاله درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه اسنادی به بررسی نقش امنیت پایدار در حکمرانی خوب بپردازد. با توجه به یافته های پژوهش به نظر می رسد امنیت پایدار و حکمرانی خوب دارای اثرات متقابل و هم پوشانی هایی بوده و ارتقای امنیت پایدار موجب ارتقای حکمرانی به حکمرانی خوب خواهد گردید و در مقابل ارتقای حکمرانی موجب تقویت و ارتقای امنیت پایدار خواهد شد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی خوب، امنیت، امنیت پایدار

### Abstract:

In the present age, the duties of governments to fulfil the needs of citizens have been broadened. Security is one of the most important tasks of governments about citizens and society. Security is essential as a context for human life, development and progress in various fields, and due to the Complex communication between components that affect security dimensions, sustainable security is considered by governments as a way to secure the present and the future. Sustainable security has indicators such as long-term economic, political, social, cultural and environmental stability, justice and participation, and emphasizes holistic decision-making and action. On the other hand, citizens' satisfaction is measured by indicators such as freedom of expression and accountability, political stability, equality, efficiency, the rule of law, participation, transparency and trust in government and society, which are good governance criteria. This paper aims to study the role of sustainable security in good governance through a descriptive-analytical and documentary approach. Sustainable security and good governance seem to have interactions and overlaps, and promoting sustainable security will promote good governance and improve governance in return for sustainable security.

**Keywords:** Governance, Good Governance, Security, Sustainable Security

### مقدمه و بیان مساله:

در عصر حاضر با گسترش وظایف و کارکرد حکومت ها، انتظارات و خواسته های شهروندان از حکومت ها افزایش یافته است. دولت به منزله ابزاری حاصل عمل ارادی انسان برای تامین نظم و امنیت در جهان تدوین شده است و این دولت است که برای انسان وجود دارد نه انسان برای دولت، لذا چنان که اشکال دولت های کنونی نتوانند نیازهای انسان امروز را برآورده سازند

پس تغییر در آن‌ها در سطوح خرد و کلان اجتناب ناپذیر خواهد بود (توحیدفام، ۱۳۸۶، ۲۰). کسب کارکردهای جدید حکومتی، به مثابه تبدیل "حکومت نگهبان شب" به "دولت رفاه گستر صنفی" تعبیر شده است، زیرا حکومت مدرن صرفاً به جای تامین حدی از دفاع در برابر مهاجمین خارجی یا اراذل داخلی، وظایفی مانند مسئولیت تامین رفاه درمانی و اقتصادی مردم خود، آموزش آنها، حقوق آنها در مقام مصرف کننده، برابری موقعیت در عرصه های گوناگون زندگی و نیز بسیاری از مسئولیت های دیگر را پذیرفته است (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۴). در گذشته وظیفه حکومت ها بیشتر بر دفاع از مرزها و حفظ تمامیت سرزمینی متمرکز بود لیکن به مرور زمان با افزایش آگاهی های انسانی، افزایش ارتباطات، پیشرفت تکنولوژی و به تعبیر دیگر تغییر نگرش انسان ها به زندگی اجتماعی، خواسته های شهروندان از حکومت ها افزایش یافته و علاوه بر نیازهای اساسی و اولیه از جمله تامین نظم و امنیت، سایر نیازها و خواسته های از جمله رفاه اجتماعی، زندگی ایمن و سالم، آموزش، اشتغال، بهداشت و درمان، جبران خسارات وارده به شهروندان در برابر مخاطرات طبیعی و ... از جمله انتظارات شهروندان از حکومت ها می باشد. این تغییر نگرش به نقش حکومت موجب شده تا حکومت ها از شیوه های جدیدی برای اداره کشور و تنظیم امور- به ویژه رابطه میان شهروندان و حاکمیت- استفاده کنند که از آن به حکمرانی تعبیر می شود. حال اگر حاکمان بتوانند با ابزار و روش های منطقی، رابطه متوازن و متعادلی میان حاکمیت و شهروندان ایجاد کنند که رضایت شهروندان را به دنبال داشته باشد و کشور نیز در مدار صحیح و عقلانی اداره شود، اصطلاح حکمرانی خوب معنا پیدا می کند. در صورتی که حکومت ها به هر دلیل کارآمد نبوده و نتوانند به درستی انتظارات و خواسته های شهروندان را پاسخ دهند، این امر موجب ایجاد نارضایتی در شهروندان گردیده و شهروندان به طرق مختلف از قبیل اعتراض جمعی، اعتصاب، شورش و ... خواستار تغییر وضعیت در جهت نیل به خواسته های خود می گردند. البته این بدین معنی نیست که دولت همه امور اجرایی را خود انجام دهد لیکن منظور این است که دولت به عنوان سیاست گذار اصلی در کشور وظیفه دارد تا با روش های مختلف- که البته با توجه به نوع سیستم حکومتی متفاوت است- با تعامل در سطوح فراملی (منطقه ای و بین المللی) و فروملی (محلی) نسبت به تامین حداکثری انتظارات شهروندان اهتمام داشته باشد و زمینه را برای تامین نیازهای شهروندان در عرصه های مختلف فراهم سازد. از طرفی امنیت از ضروریترین نیازهای انسان بوده و بستری برای زندگی، رشد و پیشرفت انسان ها در عرصه های مختلف می باشد و این یکی از اساسی ترین وظایف حکومت ها در مورد شهروندان و جامعه است. امنیت از دو عنصر اصلی تهدید و فرصت برخوردار است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدیدها و بهره گیری مناسب از فرصت هاست (صدیقی سروستانی، ۱۳۸۲، ۴). در گذشته منظور از امنیت بیشتر جنبه نظامی آن (امنیت خارجی) مدنظر بوده لیکن در عصر کنونی در تعریف امنیت معمولاً به ابعاد مختلف امنیت اشاره می گردد. طبق گفتار سنتی امنیت، مراد از امنیت نبود عاملی به نام تهدید است. منظور از تهدید نیز- با توجه به اینکه تهدید در گذشته بیشتر جنبه نظامی داشته - بیشتر جنبه تهدید نظامی بوده و کمتر به سایر ابعاد تهدید پرداخته شده است. اما طبق گفتار ایجابی، امنیت علاوه بر نبود تهدید، به آماده بودن شرایط برای رشد جامعه و رسیدن به منافع و اهداف نیز توجه می شود؛ یعنی به امنیت از دید فرصتی نیز نگاه می شود. در این نگرش امنیت به نبود تهدید محدود نشده و علاوه بر آن وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ امنیت مدنظر قرار می گیرد و از این رو امنیت از یک وضعیت به یک فرایند و به یک تولید اجتماعی تبدیل می شود. (قالیباف، ۱۳۸۲، ۳۳-۳۵) باید متوجه بود که رویکرد سلبی امنیت (نبود تهدید و خطر) پیش نیاز امنیت ایجابی است و تا امنیت سلبی تأمین نگردد، امکان استفاده از فرصت ها در راستای منافع و اهداف (امنیت ایجابی) به دست نخواهد آمد. از طرفی به رغم توسعه ابعاد امنیت، با توجه به ارتباطات پیچیده میان اجزای موثر بر امنیت، امنیت امنیت پایدار به عنوان راهی برای تامین امنیت حال و آینده مدنظر حکومت ها قرار گرفته است. امنیت پایدار نیز خود دارای مولفه ها و شاخص هایی است که می تواند به عنوان زیرساخت و همچنین مکمل اداره کشور و در حقیقت حکمرانی می باشد. با توجه به موارد فوق، در این تحقیق قصد داریم نقش امنیت پایدار در حکمرانی خوب را بررسی کنیم.

#### ۱) روش تحقیق:

این مقاله از نظر ماهیت و روش جزء تحقیقات توصیفی- تحلیلی محسوب می شود. اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است نقش امنیت پایدار در حکمرانی خوب چیست؟ به دیگر عبارت، برقراری امنیت پایدار چه تاثیری در حکمرانی خوب خواهد داشت؟

## ۲) مبانی نظری:

### ۲-۱) امنیت:

ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد "امن" و با مشتقاتی مانند "استیمان" و "ایمان" است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه نموده اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می گردند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ۱۹) در فرهنگ عمید امنیت با معانی در امان بودن، ایمنی، آرامش، آسودگی، بی بیم شدن، بی ترسی، اطمینان، آسایش و ضدخوف آمده است. (اصلانی، ۱۳۹۲، ۹۲) امنیت از نظر لارونی مارتین عبارت است از تضمین رفاه آتی و از نظر جان مورز، امنیت یعنی رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش (بوزان، ۱۳۷۸، ۳۱) امنیت به معنای فراغت از هر گونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادی های مشروع و قانونی شهروندان است. (کارگر، ۱۳۸۵: ۱۷) مزلو، روانشناس انسانگرا، نیازهای انسان را به شش دسته تقسیم کرده است. طبق الگوی سلسله مراتب نیازهای "مزلو" نیاز به ایمنی (امنیت) بعد از نیازهای فیزیولوژی از جمله نیازهای اساسی انسان است. تا این نیاز انسان تامین نگردد، نیازهای سطح بالاتر انسان از قبیل، محبت و تعلق پذیری، احترام و خودشکوفایی محقق نخواهد شد. (مارشال ریو، ۱۳۹۱، ۴۴۹)

### ۲-۱-۱) ابعاد امنیت:

به اعتقاد برخی از صاحب نظران، در یک نگرش کلی امنیت ملی را می توان به شش مقوله کلی تقسیم کرد که عبارت اند از: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی. (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۲۹) در ذیل به طور خلاصه این ابعاد را مختصراً توضیح می دهیم.

#### ۱-۱-۲) امنیت سیاسی:

در بعد سیاسی امنیت ملی می توان به ابعاد فرعی مانند ساختار، ضعف و قدرت، کارآمدی، میزان مشروعیت، امنیت دولت، احزاب، مسئله قومیت ها و اقلیت ها در جوامع، میزان نهادمندی جامعه مدنی در کشورها و شیوه مشارکت سیاسی اشاره کرد. (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۰) امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سیاسی و حفظ حکومت، موجودیت کشور و ملت، وحدت، انسجام و آشتی ملی و تعامل سازنده بین گروه ها و نخبگان سیاسی است. امنیت سیاسی بر ثبات سازمانی دولت ها، سازمان های حکومتی و ایدئولوژی هایی ناظر است که به آن ها مشروعیت می بخشد. (صفوی، ۱۳۸۱، ۳۱) تهدید سیاسی عموماً به عنوان زمینه ساز سایر تهدیدها و یا مکمل آن ها عمل می کند. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خارجی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی متفاوت باشد. از آنجاکه دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدید سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس انگیز باشد. (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۰)

#### ۲-۱-۱-۲) امنیت اجتماعی:

امنیت اجتماعی ناظر بر پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، همبستگی و هویت و عرف های مذهبی و ملی در چارچوب شرایط قابل قبول برای تحول و تکامل آن ها است. (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۱) امنیت اجتماعی، مصونیت جامعه در برابر عوامل تهدیدکننده جان، مال و آبروی آنان است. برخی نیز امنیت اجتماعی را معادل امنیت عمومی می دانند. امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند (صفوی، ۱۳۸۱، ۳۲) باری بوزان، امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی هایی ارجاع می دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص تلقی می نمایند و همچنین امنیت از نظر وی معطوف به جنبه هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می کند. از دیدگاه بوزان، امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و غیره در حفظ هستی و هویت خود. درواقع بوزان امنیت را حالت فراغت از تهدید هویت جمعی و گروهی تلقی می کند که می توان آن را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و رفع تهدید از عنصر اتصال دهنده اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت و این احساس امنیت از طریق اعتماد به ترجمان های تأمین کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده، شبکه دوستان و غیره تأمین می شود (کامران و نظری، ۱۳۸۹، ۴۲) امنیت اجتماعی بیشتر بر وجود امنیت در داخل اجتماع مردم تأکید دارد و به رفع و دفع

تهدیداتی می‌پردازد که با امور جاری و روزمره مردم سروکار دارد. به دیگر عبارت امنیت اجتماعی رابطه نزدیکی با امنیت عمومی دارد. وقوع جرائم مختلف در جامعه از قبیل درگیری، قتل، سرقت و ... گسترش آن در سطح جامعه موجب افزایش ناامنی و کاهش امنیت اجتماعی جامعه می‌گردد.

### ۳-۱-۱-۲) امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی در معنای عینی آن فقدان تهدید به میراث فرهنگی و آثار و ارزش های کسب شده است و در معنای ذهنی آن فقدان ترس از هجوم هها و حلقه هایی است که ارزش ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می دهد. (صالحی امیری و افشاری، ۱۳۹۰، ۵۴). امنیت فرهنگی به مفهوم آن است که جامعه از تمهیدات و قابلیت های لازم برای رفع تهدیدات فرهنگی و اجتماعی برخوردار بوده و خوف تفسیر ماهوی ارزش ها به حداقل برسد و مردم مطمئن باشند که دولت از موارث فرهنگی آنها که نسل به نسل تا به امروز به آنان منتقل شده است، پاسداری می نماید (علی بخشی، ۱۹۱۳۸۹). امنیت سیاسی - فرهنگی یعنی توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن بر ویژگیهای سیاسی فرهنگی بنیادی خود در شرایط معقول و در مقابل تهدیدات احتمالی یا واقعی (ماندل، ۱۳۷۹، ۱۴۹). امنیت فرهنگی در حقیقت حفظ سنتها و ارزشها و آداب و رسوم و هویت ملی میباشد. (بابالیان و رادبین، ۱۳۹۳، ۲۱)

### ۴-۱-۱-۲) امنیت اقتصادی :

از نظر رابرت ماندل امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، و هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی (ماندل، ۱۳۷۹، ۱۰۷) از نظر باری بوزان نیز امنیت اقتصادی افراد تنها به شرایط زیستی محدود نمی‌شود بلکه تأمین این امنیت به معنی حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی است از جمله اینکه اشتغال یا حق حداقل دستمزد را از شرایط ضروری امنیت اقتصادی می‌داند. (بوزان، ۱۳۷۸) امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلاجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد. (برومند و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۵) هدف امنیت اقتصادی سلامت و رشد اقتصاد ملی کشورهاست و هر عاملی که بتواند به سلامت و رشد اقتصاد کشورها کمک کند و به تبع آن به افزایش و توزیع درآمد کشور و شهروندان و به تبع آن افزایش رفاه بینجامد در ذیل امنیت اقتصادی قرار می‌گیرد. از طرفی مبارزه با فساد در حوزه های مختلف اقتصادی، جلوگیری از رانت و افزایش شفافیت به امنیت اقتصادی کشور کمک می‌کند.

### ۵-۱-۱-۲) امنیت نظامی:

امنیت نظامی یعنی داشتن قدرت دفاعی و تهاجمی برای یک کشور در مقابل تهدیدات نظامی خارجی. اگر کشوری دارای توان نظامی و دفاعی نباشد، می‌تواند مورد تهاجم خارجی واقع شود پس امنیت نظامی به معنای توان مقابله و دفاع یک کشور بوسیله نیروهای نظامی و تجهیزات و ابزارهای دفاعی از سرزمین و شهروندان خود است. به عبارت دیگر امنیت نظامی بر محافظت بی واسطه و مستقیم و فیزیکی از مرزها، قلمرو، سرزمین، شهروندان به وسیله نیروی نظامی و تسلیحات تأکید دارد.

### ۶-۱-۱-۲) امنیت زیست محیطی:

از مفاهیم نوین و جدید در مباحث امنیت که در گذشته کمتر مورد توجه قرار می‌گرفته مفهوم امنیت زیست محیطی می‌باشد. بحران‌های زیست محیطی در عصر حاضر با توجه به توسعه فناوری، دیدگاه دولت‌ها نسبت به توسعه، افزایش جمعیت، استفاده بی‌رویه از منابع و ... نسبت به گذشته افزایش یافته است. اگرچه پیشرفت فناوری فواید بی‌شماری را برای انسان رقم زده است لیکن عدم توجه به محیط زیست در برنامه‌ریزی‌ها و نگاه تک‌محور در راستای افزایش سودانی موجب گردیده تا این مسئله خود بیشترین صدمات را به محیط زیست وارد کند و امنیت زیست محیطی را به خطر اندازد. از بحران‌های زیست محیطی که امنیت زیست محیطی را به شدت تحت تأثیر قرار داده می‌توان به بحران‌های، تغییر اقلیم، تخریب و آلودگی منابع آب و خاک، کاهش تنوع زیستی و ... اشاره نمود. جدیدترین جنبه امنیت ملی، امنیت زیست محیطی است. در پایان دهه ۱۹۸۰، طرح

محیط‌زیست به‌عنوان یک موضوع امنیتی آغاز و به‌مرور به مسئله امنیتی برجسته تبدیل شد. موضوعاتی همچون گازهای گلخانه‌ای، تهی شدن اتمسفر از گاز ازن، ته‌نشینی اسیدها، از بین رفتن جنگل‌ها، کاسته شدن از ماهی‌های موجود و آب‌های تازه در کنار زوال منابع زیرزمینی از موضوعات مرتبط با امنیت محیط‌زیست است. (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۱) تصورات مختلف از امنیت محیط‌زیست بیشتر ناشی از چهار عامل زیر تبیین شده است؛ کاهش محیط‌زیست به علت یک عامل ناپایدار سیاسی و مبارزاتی، انحطاط محیط‌زیست که نتیجه و یا ماحصل یک جنگ است، انحطاط محیط‌زیست به‌عنوان تهدیدی برای سلامتی و سالم ماندن بشر، موضوع مورد بحث دیگر تلاش‌هایی است که میزان انحطاط محیط‌زیست را می‌توان با کاربرد قدرت کاهش داد (ربیعی، ۱۳۸۳، ۳۳)

## ۲-۱-۲) امنیت پایدار

پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و... در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه میشود (نصیری، ۱۳۸۴، ۲۱۵-۲۱۶) امنیت پایدار امنیتی است که همه عوامل به طور پیوسته به کار گرفته میشوند تا ارزشهای اساسی مورد هجوم واقع نشوند و در صورت وقوع تهاجم اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی این ارزشها فدای کسب صلح نگردند و از آنها دفاع شود (نوروزی، ۱۴۱، ۱۳۸۵) امنیت پایدار برای جوامع و کشورها، یعنی نگهداشت استقلال، یکپارچگی سرزمینی، پاسداری از شیوه‌های زندگی ملی و جلوگیری از دخالت بیگانگان در امور داخلی است. در درجه نخست به معنای تأمین شرایطی است که کشور را از دست اندازی دیگران به استقلال سیاسی و ارزشهای فرهنگی حفظ کند (مطلوبی، ۱۳۹۱، ۵)

امنیت پایدار به معنای تعادل پویا میان مولفه‌ها و عوامل مختلف مؤثر امنیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... می‌باشد که متناسب با ویژگیهای هر جامعه تدوین و اجرایی می‌گردد. همه شهروندان در برقراری امنیت پایدار با توجه به توان و وسع خود نقش دارند. وقتی که دولت و شهروندان به صورت مشترک در اداره جامعه سهیم باشند و برای اداره سرزمین در مقابل چالش‌ها و معضلات امنیتی متحد و یکپارچه باشند، امنیت پایدار شکل خواهد گرفت.

## ۲-۲) حکمرانی

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و به رابطه میان شهروندان و حاکمان اطلاق میشود. به عبارتی ماهیت حکمرانی با تسلط و اعمال قدرت تفاوت دارد و از نوعی تنظیم‌گری نشأت می‌گیرد. (شاه آبادی و بزرگی، ۱۳۹۲) حکمرانی که نتیجه ذاتی حاکمیت است موضوعی است که بر نحوه تعامل دولتها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز داشته و فرآیندی است که از طریق آن، جوامع و سازمانها تصمیمات خود را اتخاذ و به واسطه آن، مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرآیند درگیر و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. (Hamedinger، ۲۰۰۴) در واقع، حکمرانی به افراد و سازمان‌هایی می‌پردازد که در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند. (مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی، ۲۰۰۳) از منظر نظریه حکمرانی، دولت و بازار هر دو نهادی اجتماعی هستند که از نقایص و کاستی‌های مختلف رنج می‌برند و توسعه در گرو رفع نقایص و عیوب نهاد بازار و نهاد دولت است (تصدیقی، ۱۳۸۳، ۱۸۱)

## ۲-۱-۲) حکمرانی خوب

افزایش شدید فقر و نابرابری و تورم در اواخر دهه ی ۱۹۸۰ که از پیامدهای الگوی حداقل دخالت دولت بود، باعث شد تا بانک جهانی به این نکته دست یابد که مسأله حکمرانی- یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حاکمان - موضوع کلیدی توسعه است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۵۹). یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ی ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده موضوع حکمرانی خوب می‌باشد. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. موضوع محوری حکمرانی خوب، چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه ساز توسعه ای عادلانه و مردم سالار باشد. (شاه آبادی و بزرگی، ۱۳۹۲) براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت داری. به عبارت دیگر هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی

کارآمدتر و عادلانه تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور خوب تر است. (میدری، ۱۳۸۳: ۲۵۸) مفهوم حکمرانی خوب فراتر از ظرفیت مدیریت بخش دولتی است تا قوانین و نهادهایی که چارچوب قانونی، فراگیر، شفاف و پاسخگو را برای تدوین و انجام سیاست های عمومی به وجود می آورند. این به معنای مدیریت امور عمومی با شفاف، پاسخگو، مشارکتی و عادلانه است که به اصول دموکراتیک و حاکمیت قانون توجه کافی را نشان می دهد. این موضوع بر روی هنجارهای سیاسی تعریف کننده عمل سیاسی، چارچوب نهادی که در آن فرایند سیاست گذاری صورت می گیرد و سازوکارها و فرآیندی که قدرت از آن استفاده می شود، متمرکز است (Santiso, 2002:24). در حکمرانی خوب، سیستم حکمرانی فرایند پایه به جای سیستم حکمرانی ساختار پایه در نظر گرفته می شود. این شامل طیف وسیعی از سازمان های دولتی و خصوصی و روابط پیچیده بین آنها است. در این حکمرانی جدید، تعداد زیادی از بازیگران مشارکت کننده مانند نهادهای حاکمیت محلی، سازمان های جامعه مدنی (سازمان های غیر دولتی، جنبش های اجتماعی، تعاونی ها، سازمان های مدنی)، شرکت های خصوصی و سایر نهادهای بازار حضور دارند. (Choudhary ۲۰۰۲، ۱۵-۱۴) حکمرانی مطلوب الگویی است در جهت اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی و تسریع مشارکت بخش خصوصی. (قلی پور، ۱۳۸۳: ۸۶) اگر شعار دوره اول نظریات دولت مدرن را، "دولت موتور توسعه" و دوره دوم را "دولت کوچک" بدانیم، شعار دوره سوم "حکمرانی" است. منظور از حکمرانی، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی است (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۱) که همان حرکت به سمت حکمرانی خوب است.

#### ۱-۲-۱) شاخص های حکمرانی خوب

از نظر بخش توسعه بین المللی، حکمرانی خوب هفت شایستگی کلی دارد: دارای خط مشی مشارکتی، رافع فقر و ثبات اقتصادی، مجری خط مشی های پشتیبانی از فقرا، تأمین کننده خدمات اساسی اثربخش به صورت عادلانه، تأمین کننده امنیت و سلامت فردی، مدیریت پاسخ گویی راه کارهای امنیت ملی؛ توسعه دهنده دولت پاسخگو و امین. (بخش توسعه بین المللی، ۲۰۰۹، ۹) حکمرانی خوب مجموعه ای از عواملی چون شفافیت، حاکمیت قانون، مشروعیت و شایستگی، پاسخگویی و اجماع میباشد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸، ۸۷-۸۸) از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از حاکمیت با ویژگی هایی همچون مشارکت جویی، شفافیت، پاسخ گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، تعیین اولویت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع تر که در آن ندای ضعیف ترین و آسیب پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود (برنامه توسعه ملل متحد ۱۹۹۷، ۲۵) بر اساس سندی که در سال ۲۰۰۶ از سوی بانک جهانی و توسط کافمن، کرای و ماسترازی، ارائه شد حکمرانی خوب دارای شش شاخص میباشد که عبارتند از: پاسخگویی و حق اظهار نظر، ۲) ثبات سیاسی و نبود خشونت، ۳) اثربخشی دولت، ۴) کیفیت قوانین، ۵) حاکمیت قانون، ۶) کنترل فساد (Kraay & Kaufmann، ۲۰۰۹: ۱۷). حکمرانی خوب شامل احترام کامل به حقوق بشر، حاکم قانون، مشارکت مؤثر بازیگران، کثرت گرایی سیاسی، روندهای شفاف و پاسخگو و نهادها، یک بخش دولتی کارآمد و مؤثر، مشروعیت، دسترسی به دانش، اطلاعات و آموزش، توانمندسازی سیاسی مردم، عدالت، پایداری و نگرش و ارزشهایی که مسئولیت، همبستگی و تحمل می باشد (۱۲-۱۳، ۲۰۱۰، Yirga) از مجموع تعاریف مختلف حکمرانی خوب، شاخص های زیر قابل استخراج است 1- مشروعیت حکومت به معنای پذیرش عمومی حکومت و حاکمان از سوی شهروندان بر پایه معیارهایی چون قانونی بودن حاکمان و تصمیم گیری آنها، رضایت شهروندان و کارآمدی حکومت 2- پاسخگویی حکومت، شهروندان و جامعه مدنی در برابر تصمیم ها و رفتارهای خود 3- مدیریت کارآمد جامعه در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی 4- گردش آزاد اطلاعات 5- مشارکت آزاد و برابر همه گروهها 6- حاکمیت قانون و برابری همگانی در برابر آن 7- نظارت منطقی دولت بر جامعه و نظارت منطقی جامعه بر دولت 8- کاهش نابرابریها و فساد 9- بیطرفی حکومت. امروزه شاخصهای نرم مانند پاسخگویی، کارآمدی، مسئولیت پذیری، کسب رضایت عمومی، کیفیت زندگی و ارتباط با حکمرانی خوب مورد تأکید است (سردارنیا، ۱۳۸۸، ۳۶) حکمرانی خوب فرآیندی است که به تعبیر نظریه رژیم های بین المللی مجموعه ای از قواعد پایدار و متصل به هم، رسمی و غیررسمی را نشان می دهد که نقش های رفتاری، فعالیت های محدود کننده و انتظارات شکلی را تجویز می کند (Keohane, ۱۹۹۰: ۷۳۱)

### ۳) رابطه امنیت پایدار و حکمرانی خوب

با نظم نوینی که از سال 1990 به وجود آمده، مفهوم امنیت معنای وسیع تری به خود گرفته است. این گستردگی در چهار گونه اصلی قابل شناسایی است که عبارتند از: اول، مرجع امنیت از دولتها به گروهها و افراد توسعه یافته است. این روند انتقالی رو به پایین، یعنی از دولتها به افراد است. دوم، حوزه امنیت از امنیت دولت ها به امنیت سیستم بین الملل و یا محیط مادی مافوق ملیت ها توسعه یافته است؛ این توسعه ای رو به بالا از ملتها به سمت زیست کره است. این گستردگی در هر دو مورد مطرح شده توسعه انواعی از نهادهایی است که تضمین کننده امنیت است. سوم، شیوه تأمین امنیت به شکل افقی توسعه یافته و در نتیجه، ابعاد امنیت به شدت تنوع و تعدد یافته است. به عبارت دیگر، امنیت و یا ناامنی نهادهای گوناگون - همچون افراد، ملتها و سیستم ها- به یک شیوه محقق نمی شود. همچنین مفهوم امنیت از نظامی به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و امنیت بشر بسط پیدا کرده است. چهارم، مسئولیت سیاسی جهت تضمین امنیت (جهت تقویت تمامی موارد ذکر شده) نیز توسعه یافته است و در محیط های گسترده ای همچون دولتهای ملی، روندی رو به بالا همچون نهادهای بینالمللی یا رو به پایین حکومتهای منطقه‌ای یا محلی، و یا سازمانهای مردم نهاد، نظرات عمومی و فشار، و یا نیروهای طبیعی یا بازار، پراکنده شده است (Buzan & Hansen, 2007, 3). دوارد کلودزیچ هم‌نوا با ماندل با اشاره به رویکرد محدود امنیت ملی که بر مطالعه تهدید و کاربرد نیروی نظامی استوار است، معتقد است در پرتو تحولات ساختاری نظام بین المللی طی دهه های اخیر، کارآیی این رویکرد کاهش یافته و دامنه مفهوم امنیت ملی مستلزم توسعه است تا بتواند از عهده رویارویی با چالشهای مختلف جهان معاصر برآید. وی لزوم مطالعه بین رشته ای امنیت ملی و پرداختن به مسائل دیگری از جمله خشونت داخلی، شیوع بیماری ایدز، شکاف فزاینده بین اغنیا و فقرا، بحران بدهی جهانی، مهاجرت، آلودگی زیست بوم جهانی و غیره را ضروری میدانند (Kolodzie, 1992 438-421) به اعتقاد برخی از صاحب نظران، در یک نگرش کلی امنیت ملی را می توان به شش مقوله کلی تقسیم کرد که عبارتند از: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی. (زررقانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۲۹) با توجه به بروز معضلات و چالش های جدید از جمله بحران های مهاجرت، محیط زیست و ... می بایست علاوه بر توسعه مفهوم امنیت و توجه به ابعاد جدید در عرصه امنیت، در راستای پیشگیری از بروز بحران های امنیتی، مفهوم امنیت پایدار که دارای نگرشی آینده نگر، کل گرایانه و نرم افزاری به مفهوم امنیت است بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. در امنیت پایدار، امنیت افراد، گروهها، دولت، اقلیت ها و ... مورد توجه قرار می گیرد، از نگاه یک جانبه به یکی از ابعاد امنیت پرهیز می شود، بر تأمین امنیت از روشهای نرم افزارانه تأکید می شود و تصمیم گیری ها و اقدامات با نگاه کل نگر و آینده نگر تدوین و اجرایی می گردد. تعریف جدید امنیت پایدار مبتنی بر تعهد شهروندان، اعتماد متقابل، محور قرار دادن و بسط هنجارهای مثبت، و حل چالشها توسط یک اراده عمومی و هوشمندانه با مشارکت گروهها و اقشار مختلف جهت رسیدن به امنیتی باثبات و پایدار است. (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۴) امنیت پایدار برداشتی جایگزین با این مفروض اصلی است که اگرچه نمی توان همه نتایج ناامنی را کنترل کرد، باید در تلاش برای کشف و رفع علتها بود (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۹) در نظریات امنیت پایدار کیفیت زندگی محور کانونی مباحث تلقی شده و این مفهوم متضمن حاکمیت شرایطی است که دولتها به حقوق شهروندی احترام بگذارند (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰) یکی از پیش شرط های حکمرانی خوب امنیت است. امنیت، همانطور که اصطلاحاتی نظیر احتمال بقا، احتمال تصدیق و شانس تأیید خود و احتمال مشارکت درک می شود، صحبت کردن در مورد شیوه های حکمرانی خوب بدون امنیت زائد است، زیرا حق اساسی زندگی تأمین و تضمین نمی شود. (Yirga, 2010) امنیت زمانی تأمین میشود که نیازهای اصلی انسان به طریق صحیح و منطقی برآورده شود. در صورت عدم تحقق نیازهای انسان، ناامنی ایجاد می شود. از طرفی هدف حکمرانی خوب رضایت شهروندان است و رضایت شهروندان در صورتی حاصل می شود که نیازهای ایشان به صورت منطقی و صحیح تأمین شود. در حقیقت حکمرانی خوب اصطلاحی است که نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزاء گوناگون یک جامعه تحقق پیدا میکند (Abdellatif, 2003: ۵-۳) پیام اصلی حکمرانی خوب، این است که توسعه و امنیت یک کشور صرفاً بر اساس سازوکارهای مکانیکی و اقتدارآمیز حاصل نمی شود؛ بلکه برای حصول توسعه و امنیت پایدار میباید فرآیند تصمیم گیری در سطوح خرد و کلان کشور منعکس کننده اراده ملت باشد. از ملزومات حکمرانی خوب این است که یک دولت نسبت به اعمالش پاسخگو باشد و ارتباط پویا بین مشارکت مردم در تعیین

مقدورات خود و پاسخگویی حکومت و نهایتاً رضایتمندی مردم و کارآمدی تصمیمات حکومتی وجود داشته باشد (امیدی، ۱۳۹۲، ۱۳۳) حکمرانی خوب فرایندی است که به موجب آن تحقق حقوق بشر به شکلی اساساً عاری از سوءاستفاده و فساد و با احترام به حاکمیت قانون تضمین می‌کند. آزمون واقعی حکمرانی خوب، میزان تحقق وعده حقوق بشر، حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (Yirga, ۲۰۱۰، ۱۳). حکمرانی خوب همچنین تبیین می‌کند که چگونه نهادها، قوانین و سیستمهای دولتی - اجرایی، قانونگذاری، دادگستری و نظامی در سطح مرکزی و محلی با ارائه فرصت‌هایی برای همه مردم برای تأثیرگذاری بر سیاست و عملکرد دولت، ثبات کلان اقتصادی در جهت ارتقاء رشد لازم برای کاهش فقر؛ اجرای سیاست طرفدار فقیر که تضمین کننده عادلانه و جهانی خدمات اساسی مؤثر است. همچنین ایمنی و امنیت را تضمین کرده و با توسعه دولت صادقانه و پاسخگو، ترتیبات امنیت ملی را با مسئولیت پذیری مدیریت کند (DIFD, 2001) در امنیت پایدار به جای مقابله با تهدیدها، شناسایی و چاره اندیشی روندهای منتهی به ناامنی اهمیت پیدا میکند و با کنترل و مهندسی این روندها از پدید آمدن ناامنی پیشگیری میشود. این نگاه، پارادایم جدیدی را شکل میدهد که در مقابل پارادایم کنترل قرار دارد. تفاوت اصلی این رویکرد و پارادایم کنترل آن است که در امنیت پایدار برای کنترل تهدیدها صرفاً از زور و قوه قهریه استفاده نمیشود، بلکه هدفش حل مشارکتی علل موجوده تهدیدها با استفاده از مؤثرترین ابزارهای قابل دسترس یا درمان بیماری است. این هدف از طریق سیاستهای امنیتی توسعه بخش و کاربرد استراتژی پیشگیرانه به جای استراتژی واکنشی، که در سراسر جهان دنبال میشود، قابل دستیابی است (گروه تحقیقات آکسفورد، ۱۳۸۹، ۲۸).

امنیت پایدار ارتباط وثیقی با مفهوم هویت و فرهنگ بشری دارد و همچنین مفاهیمی مانند هزینه های کم، ابزارهای قابل دسترس و نرم، استراتژی پیشگیرانه، توسعه، رفاه، دموکراسی، حکومت قانون، برابری، عدالت و غیره نشان دهنده عوامل همگراکننده نهادی و معیشتی و تأثیر و تأثر این عوامل همگراکننده در ساخت مفهومی یکدیگرند (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲) با توجه به موارد فوق، به نظر می‌رسد در حوزه اهداف، ابزار و نگرش موارد زیر را بتوان از مشترکات حکمرانی خوب و امنیت پایدار برشمرد. (شکل ۱)



شکل ۱- مشترکات حکمرانی خوب و امنیت پایدار

منبع: نگارنده

همچنین با توجه به موارد طرح شده، جدول زیر مقایسه شاخص های حکمرانی خوب (طبق شاخص های بانک جهانی) با ابعاد امنیت پایدار را نشان می‌دهد.

جدول ۱- مقایسه شاخص های حکمرانی خوب (طبق شاخص های بانک جهانی) با ابعاد امنیت پایدار



| شاخص های حکمرانی خوب    | ابعاد امنیت پایدار                                                      | موارد مشترک                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|-------------------------|-------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| پاسخگویی و حق اظهار نظر | بعد امنیت سیاسی و بعد امنیت فرهنگی                                      | پاسخگویی دولت، افزایش اعتماد عمومی به دولت، آزادی بیان شهروندان، افزایش آگاهی های عمومی                                                                                                                                                                                          |
| ثبات سیاسی و نبود خشونت | بعد امنیت سیاسی و امنیت اجتماعی                                         | ثبات در راهبردها و سیاست ها، مصون بودن اجتماع از خشونت و درگیری، آرامش شهروندان                                                                                                                                                                                                  |
| اثربخشی دولت            | تمامی ابعاد امنیت (نظامی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی و اقتصادی) | کارایی و اثربخشی دولت موجب تقویت امنیت در تمامی ابعاد آن می گردد. (آمادگی نظامی، ثبات فرهنگی، مصونیت فرهنگی، آرامش عموم جامعه، مشارکت، عدالت، رشد اقتصادی، افزایش رفاه، حفظ محیط زیست و ...)                                                                                     |
| کیفیت قوانین            | تاثیر گذار بر تمامی ابعاد امنیت                                         | تصویب قوانین سودمند و کیفی پیش شرط مهمی برای افزایش امنیت در تمامی ابعاد می گردد چرا که بسیاری از ناامنی ها از عدم وجود قوانین کیفی و سودمند شکل می گیرد. تصویب قوانین بدون جانبداری از قشر یا گروه خاص، توجه به حقوق فردی و اجتماعی، توجه به اقشار ضعیف، افزایش رضایتمندی عمومی |
| حاکمیت قانون            | امنیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی                      | اجرای قوانین سودمند و کیفی مصوب شرط مهمی برای افزایش امنیت در تمامی ابعاد می گردد چرا که بسیاری از ناامنی ها از عدم حاکمیت و اجرای قوانین ناشی می شود. عدم تبعیض و نابرابری در اجرای قانون، افزایش رضایتمندی عمومی                                                               |
| کنترل فساد              | بعد امنیت اقتصادی                                                       | از بین رفتن رانت، افزایش سرمایه گذاری ، ساماندهی وضعیت اقتصادی و به تبع آن افزایش رفاه در جامعه                                                                                                                                                                                  |

منبع: نگارنده

با توجه به جدول فوق مشهود است که شاخص های حکمرانی خوب هم پوشانی زیادی با ابعاد امنیت پایدار دارد. در حقیقت هر یک از شاخص های حکمرانی خوب ، یک یا چند شاخص امنیت پایدار را دربر می گیرد. به دیگر عبارت در صورت تحقق شاخص های حکمرانی خوب ، ابعاد امنیت پایدار – متناسب با هر شاخص- نیز محقق خواهد شد. در مقابل عملیاتی شدن ابعاد مختلف امنیت پایدار موجب تحقق شاخص های حکمرانی خوب – متناسب با بعد محقق شده امنیت پایدار- خواهد گردید. با توجه به این موارد مشخص است که حکمرانی خوب و امنیت پایدار دارای ارتباطات متقابل بوده که تقویت و ارتقای هر کدام می تواند ارتقا و تقویت دیگری را به دنبال داشته باشد و تضعیف هر یک می تواند موجب تضعیف دیگری گردد.

#### ۴) نتیجه گیری

با توجه به موارد ذکر شده مشخص است که امنیت پایدار و حکمرانی خوب دارای اشتراکاتی در هدف ، ابزار و نگرش می باشند. هدف حکمرانی خوب و امنیت پایدار رضایت شهروندان و به تبع آن ایجاد امنیت برای حکومت می باشد. در حکمرانی خوب و امنیت پایدار از ظرفیت دولت، شهروندان و جامعه برای نیل به حکمرانی خوب و امنیت پایدار بهره برده می شود. شاخص های حکمرانی خوب بیانگر نگاه علت گرایانه و توجه به ریشه ها برای به ثمرنشتن حکمرانی خوب است و برای تحقق امنیت پایدار نیز توجه به علل و ریشه های ناامنی مورد تاکید است. در حکمرانی خوب تاکید بر روندسازی و تغییرات ساختاری با نگاه آینده نگر است و در امنیت پایدار نیز بر ایجاد امنیت برای حال و آینده تاکید می شود. همچنین حکمرانی خوب موجب می شود که دولت ، شهروندان و جامعه از فوائد و نتایج حکمرانی خوب استفاده کنند و در امنیت پایدار نیز امنیت برای تمامی مراجع امنیت به دست می آید. همچنین بررسی تطبیقی شاخص های حکمرانی خوب و ابعاد امنیت پایدار نشان می دهد که

شاخص های حکمرانی خوب و ابعاد امنیت پایدار در بسیاری از موارد دارای اثرات متقابل و هم پوشانی هایی بوده و ارتقای امنیت پایدار موجب ارتقای حکمرانی به حکمرانی خوب خواهد گردید و در مقابل ارتقای حکمرانی موجب تقویت و ارتقای امنیت پایدار خواهد شد.

## مراجع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۵، امنیت در نظام سیاسی اسلام، کانون اندیشه جوان، اول، تهران
- اصلانی، سید مجتبی، ۱۳۹۲، مهاجرت های داخلی و امنیت ملی، ناشر: دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران
- امیدی، علی، ۱۳۹۲، امنیت و توسعه پایدار و تقویت قانونمند حکومت های محلی در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۱۱۱، صص ۱۱۳-۱۳۶
- بابالیان، مجید و علیرضا رادبین، ۱۳۹۳، پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۰۱، سال بیستم، شماره دوم، تابستان ۹۳
- بدیعی، مرجان، واثق، محمود، ملک محمدی، حمیدرضا، عالم، ریحانه، ۱۳۹۷، حکمرانی در قرن ۲۱ و چالش های پیش روی آن، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۱، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۷
- برنامه توسعه سازمان ملل UNDP
- برومند، شهزاد و همکاران؛ ۱۳۸۷، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران، مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، چاپ اول
- بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولت ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تصدیقی، بهروز، ۱۳۸۳، نظریه حکمرانی خوب: توانمندسازی دولت طرح پژوهشی حکمرانی خوب (۶)، (اینترنت)، تهران: مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران؛ موجود از: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/729958>
- توحیدفام، محمد، ۱۳۸۶، ساختارهای آینده ملت- دولت ها و چالش های فراروی آنها، پژوهش نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۶.
- جاسبی، جواد و ندا نفری، ۱۳۸۸، طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶
- ربیعی، علی، ۱۳۸۳، مقدمه ای بر نظریات امنیت ملی در جهان سوم. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ریو، جان مارشال، ۱۳۹۱، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر ویرایش، چاپ نوزدهم
- زرقانی، سید هادی، سجاسی قیداری، حمدالله و موسوی، سیده زهرا، ۱۳۹۵، درآمدی بر مهاجرت و امنیت، انجمن ژئوپلیتیک ایران، چاپ اول، تهران
- صالحی امیری، سیدرضا، افشاری نادری، افسر، ۱۳۹۰، مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹
- صدیق سروسستانی، رحمت ا...، ۱۳۸۲، حاشیه نشینی و پیامدهای امنیتی آن، فصلنامه علوم انتظامی، شماره ۸، تهران
- گروه تحقیقات آکسفورد (به سوی امنیت پایدار)، سایت اینترنتی <http://www.oxfordresearchgroup.org.uk>
- قلی پور، رحمت اله (۱۳۸۳)، نقش دولت و حکمرانی خوب در تحلیل و امکان سنجی در ایران، دانش مدیریت، شماره ۶۷: ۸۵-۱۱۱.

- قیصری، نورالله، حسینی، سیدمهدی، ۱۳۹۲، ابعاد و شاخصهای امنیت پایدار؛ مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی، فصلنامه آفاق امنیت/ سال پنجم/ شماره بیستم - پاییز ۱۳۹۲
- کارگر، بهمن، سرور، رحیم، بحیرایی، حمید، ۱۳۹۱، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی (با تأکید بر حاشیه جنوبی منطقه شهری تهران و اسلامشهر)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران
- ماندل، رابرت، ۱۳۷۹، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی. حکومتداری خوب. دفتر بررسی اقتصادی؛ ۲۰۰۳
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تهران، چاپ اول.

### مراجع انگلیسی

- Choudhary, k. 2002, GLOBALISATION, GOVERNANCE REFORMS AND DEVELOPMENT.
- Hamedinger A. ۲۰۰۹, The changing organization of spatial planning in Vienna: Learning lessons from the organization of planning in the UK in the context of the shift from government to governance?. EURA/UUA Conference 'City Futures', Chicago, 8-10 July, 2004. Dortmund: EURA; 2004.
- Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2009). »Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators 1996-2008,« World Bank Policy Research Working Paper , ۴۹۷۸ pp. 1-103 .
- UNDP(United Nation Development Program me), characteristics of Good Governance.
- Keohane, R. O. (1990). Multilateralism: an agenda for research. *International Journal*, XLV(4), 731-764.
- Santiso, Carlos. 2002. Governance Conditionality and the Reform of Multilateral Development Finance: The Role of the Group of Eight, G8 Governance Working Paper 7 Department for Intenational Development - DIFD - Bilateral funding assistance
- Yirga, Kassahun (Assistant Professor), 2010 , Assessment of the Prevalence of Good